

مجموعه مباحث اخلاقی

تحصیل بصیرت،
چگونه؟

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۱۵ و ۲۲ و ۲۹ آذر ۱۳۸۵

۱۴ و ۲۱ و ۲۸ ذی الحجة ۱۴۲۷

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَاكَ بِمَا تَقْرُبُهُ عَيْنِي وَمِنْ رَجَائِكَ
بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِي وَمِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَتَجْلُو بِهِ عَن
بَصِيرَتِي غَشَاوَاتِ الْعَمَى » .

در سال گذشته در ادامه شرح مناجات خمس عشر امام سجاد عليه السلام
مباحث را تا فرازهای پایانی مناجات چهارم (مناجاة الراجين) بیان کردیم .
اکنون برای آغاز بحث جهت یاد آوری مروری کوتاه بر مطالب مهم
سال گذشته می‌نماییم ، تا مطالب ، مقدمه‌ای برای آغاز بحث باشد .

الف: عطای خداوند

عطای الهی بگونه‌ای است که همگان را شامل می‌گردد . ملحدین و
کافران نیز از عطای الهی بهره‌مند هستند . خداوند نه تنها پاسخ خواهش‌ها را
می‌دهد بلکه بسیاری از عطایای او بدون خواهش و درخواست می‌باشد مانند
نعمت وجود .

ب: پرده پوشی خداوند:

خداوند ستار العیوب است. او گناهان و رذایل اخلاقی بندگان را می‌پوشاند. رحمت و فضل الهی در پوشش گناهان و حفظ آبروی بنده به قدری است که نمی‌گذارد فرشتگان مأمور نیز از آنها مطلع گردند.

ج: توکل

هر کس بر خداوند توکل نماید او تمامی امورش را به عهده می‌گیرد. اولین ثمره توکل احساس آرامش و سکون در قلب می‌باشد و این آرامش بهترین زمینه جهت رشد فضایل اخلاقی در انسان است.

د: یاد خداوند

اگر ما بخواهیم که خدا همیشه به یاد ما باشد باید ما همیشه به یاد او باشیم. کسی که همیشه ذاکر ذات ذوالجلال ربوبی است مانند درخت سبزی است در میان خارستان در شرایطی که همه در غفلت و بی‌خبری از محبوب به سر می‌برند او متصل به اقیانوس بی‌کران رحمت الهی است.

ه: یقین

نقص در نعمتها جزء نوامیس خلقت و ضروریات عالم تکوین است.

مصائب و حوادث تکوینی جزء غیر قابل انفکاک از این عالم مادی است. امام سجاد علیه السلام در این نیایش از خداوند یقینی می‌طلبد که تحمل این مصائب را بر انسان سهل نماید.

مطالب اساسی که سال گذشته بحث را با آن به پایان رساندیم چهار خواهش امام سجاد علیه السلام است. امام علیه السلام بعد از توصیفات بسیار زیبا و دقیق در مورد ذات باری تعالی مطالب اساسی خود را در قالب دعا بیان می‌نماید. این گونه تقاضاها همان طور که قبلاً اشاره شد جنبه آموزشی برای پیروان اهل بیت علیهم السلام دارد.

سال گذشته نکات اساسی از این خواهش‌ها را انتخاب نموده و توضیح دادیم. به عنوان نمونه اولین خواهش امام علیه السلام از خداوند در پایان این مناجات درخواست اعطاء مطالبی بود که باعث قره العین می‌گردد. در حد امکان در خصوص معنا و مفهوم قره العین در ادعیه و روایات و آیات سخن گفتیم اکنون به توضیح نکات دیگری که در این چهار خواهش مطرح گردیده است می‌پردازیم.

بصیرت شرباً کمال

امام سجاد علیه السلام در پایان این دعا از خداوند تبارک و تعالی کیمیایی طلب می‌کند که اهل معرفت ارزش واقعی آن را می‌دانند. ایشان از خداوند یقین می‌خواهند، یقینی که دارای دو کار کرد اساسی است. ابتدا آنکه این گوهر

نایاب را هر که در درون خود داشته باشد به کمک آن تحمل تمام دردها و مصائب برای او سهل خواهد بود. همچنین امام علیه السلام یقینی را می‌طلبد که با کمک آن پرده‌های کوری و جهل از دل و دیده رخت بر می‌بندد. بنابر این اگر بصیرت و روشن بینی بخواهیم باید مرتبه‌ای از مراتب یقین را درک نمائیم.

در توصیف تعبد یکی از آقایان مراجع می‌گویند که ایشان تمام کرامتش آن بود که قیامت را باور کرده بود. این مطلب به ظاهر ساده می‌آید اما اگر انسان به قیامت یقین داشته باشد دیگر نسیان و غفلت معنا ندارد و یقین به قیامت جزء ملکات او می‌گردد و هرگز عملی مرتکب نمی‌گردد که با اعتقاد و یقین او در تعارض باشد.

هنگام حمله اعراب به ایران در خصوص کثرت جمعیت و شرایط ایرانیان گفتگوی جالبی بین امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خلیفه دوم صورت گرفته است. خلیفه دوم که از کثرت جمعیت عجم نگران بود پاسخ مناسبی را از امیرالمؤمنین علیه السلام دریافت می‌کند. امام علیه السلام می‌فرمایند:

« وَأَمَّا ذَكَرُكَ كَثْرَةَ الْعِجْمِ ، وَرَهْبَتِكَ مِنْ جَمْعِهِمْ فَإِنَّا لَمْ نَكُنْ نُقَاتِلْ

عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِالْكَثْرَةِ وَإِنَّمَا كُنَّا نَقَاتِلُ بِالْبَصِيرَةِ »^(۱).

اما در مورد اینکه زیادی جمعیت عجم را ذکر کردی و از فراوانی آنان ترس اظهار کردی، باید بگویم: ما در زمان رسول خدا با تکیه بر افراد و کثرت و زیادی لشگر نبرد نمی‌کردیم، بلکه ما با تکیه بر بصیرت و روشن بینی می‌جنگیدیم.

۱- بحار الانوار، ج ۴۰ ص ۲۵۵.

در واقع سخن امیرالمؤمنین علیه السلام بدین معنا است که برای پیروزی، یقین و آگاهی لازم است. اگر کسی به هدف متعالی معتقد باشد نتیجه ظاهری هر چه باشد پیروز اصلی اوست. پس قبل از هر چیز برای طی مراحل کمال باید پرده‌های جهل را از دیده‌گان زدود.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام برای روشن شدن اذهان و تقرب به ذهن کردن مفهوم بصیر می‌فرماید:

« العامل على غير بصيرة كالسائر على غير الطريق لا يزيد سرعة السيره إلا بعداً »^(۱).

کسی که بدون آگاهی و بصیرت دست به عملی بزند مانند کسی است که در پی سراب (گمراهی) حرکت می‌کند و هر قدر بر سرعت خود بیافزاید این افزایش سرعت و تلاش فقط او را از مقصد دورتر می‌سازد.

این روایت ارزش و اهمیت و جایگاه انسان عالم و با بصیرت را روشن می‌سازد. هر قدر معرفت انسان بیشتر باشد طی مراحل کمال با سرعت بیشتری انجام می‌گیرد. به همین دلیل است که مقدار ارزش اعمال انسان و پاداشی که دریافت می‌دارد به اندازه معرفت و شناخت اوست. برای روشن‌تر شدن موضوع و احاطه نسبت به مفهوم بصیرت به این روایت امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

« يا إسحاق! خِفِ اللهُ كَأَنَّكَ تراه وَإِنْ كُنْتَ لَا تراه فَإِنَّهُ يراك وَإِنْ كُنْتَ

۱- وسایل الشیعه، ج ۲۷ ص ۲۴ حدیث ۳۳۱۱۰.

تری آنه لا یراک فقد کفرت وإن کنت تعلم أنه یراک ثم برزت له بالمعصية فقد جعلته من أهون الناظرین علیک»^(۱).

ای اسحاق! از خدا بترس به گونه‌ای که او را همواره ناظر بر اعمال خویش بدانی، اگر تو حضور او را درک نمی‌کنی او همواره بر اعمال تو ناظر می‌باشد، و اگر گمان کنی که او تو را نمی‌بیند و از اعمال تو غافل و بی‌خبر است همانا به او کفر ورزیده‌ای و اگر می‌دانسته‌ای که او ناظر بر اعمال توست و باز هم در مقابل او معصیت نمودی همانا او را کوچکترین و کم‌اهمیت‌ترین ناظران قرار داده‌ای.

بنابر این بصیرت یعنی علم یقینی، علمی که باور انسان را بگونه‌ای شکل دهد، گویی انسان حقیقت را بی‌هیچ واسطه‌ای می‌بیند و درک می‌کند. یکی از آثار بصیرت حسن سلوک و اصلاح باطن آدمی است. کسانی که همواره در فکر ایذاء مؤمنین و طرح و نقشه برای از بین بردن و بی‌آبرو کردن رقبای خود باشند در مرحله اصلاح بصیرت و معرفت خویش دچار اشکال می‌باشند. برای روشن‌تر شدن موضوع قسمتی از بحث را به عواملی که در آیات و روایات به عنوان عوامل روشن بینی و بصیرت ذکر شده است، اختصاص می‌دهیم.

عوامل بصیرت

الف: تقوی

خداوند در قرآن کریم در آیات متعدّد در خصوص تقوی و آثار آن

۱- کافی، ج ۲ ص ۶۸.

سخن گفته است و آن را به عنوان روشن کننده و وسیله ای جهت تمایز بین حق و باطل معرفی نموده است.

﴿إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^(۱).

اگر از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد.

اگر ملکه تقوی در انسان ایجاد شد، خداوند متعال قدرت تمیز و تشخیص را به انسان عطا می‌کند. تقوی یعنی، پاکیزه کردن ضمیر درون، تطهیر فکر، اندیشه و عمل که از مهمترین و مؤثرترین عوامل بصیرت و روشن بینی در زندگی است. آیه دیگری که در آن از تقوی سخن گفته شده است آیه شریفه،

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾^(۲).

هر کس تقوی الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند. بسیاری از مشکلاتی که در زندگی به آن دچار می‌شویم ریشه در بی پروایی ما نسبت به گناهان دارد. خداوند در این آیه به روشنی نتیجه تقوی و پروای الهی را خروج از مشکلات بیان می‌نماید.

ب: عبرت از گذشته

با توجه به آیات و روایات یکی دیگر از عوامل بصیرت، دقت در

۱- سوره انفال، آیه ۲۹.

۲- سوره طلاق، آیه ۲.

سرگذشت پیشینیان می‌باشد. در این رابطه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

« عباد الله أوصيكم برفض لهذه الدنيا التاركة لكم وإن لم تحبوا
تركها ... أو ليس لكم في آثار الأولين مزدجر وفي آباءكم الماضين
تبصرة ومعتبر إن كنتم تعقلون »^(۱).

ای بندگان خدا، شما را به اعراض از این دنیا توصیه می‌کنم که شما را رها
خواهد ساخت، اگر چه شما دوست ندارید که آن را رها کنید... آیا برای شما
در آثار گذشتگان عامل جلوگیری از ارتکاب فساد وجود ندارد؟ اگر در

سرگذشت نیاکانتان تعقل کنید، عامل بینایی و عبرت نمی‌بینید؟

مهمترین درسی که از نظر به تاریخ و آثار گذشتگان می‌آموزیم این
است که دل بستن به امور موقت و بی ثبات کار بیهوده‌ای است و نتیجه‌ای جز
ندامت به بار نخواهد آورد.

بعنوان مثال یک نسخه نایاب و منحصر بفرد از کتابی را برای تحقیق
نیاز دارید که پاسخ بسیاری از پرسش‌های شما در آن یافت می‌شود. این
کتاب برای مدت محدودی بطور امانت در اختیار شما قرار می‌گیرد. با این
کتاب در این زمان محدود چه می‌کنید؟

آیا به محض دریافت کتاب، آنرا در گوشه‌ای می‌گذارید و به آن نگاه
می‌کنید و تمام زمان را به لهو و لعب می‌گذرانید؟ یا می‌کوشید که نهایت
استفاده را از آن بنمائید؟

۱- نهج البلاغة (عبده)، ج ۱ ص ۲۴۳ - ۲۴۲.

کسی که از این فرصت کوتاه استفاده نمی‌کند در واقع نادان و جاهل است و از نعمتی گرانبها که در اختیار اوست استفاده نکرده، اما کسی که با تلاش و کوشش بسیار وقت را غنیمت شمرده و نهایت استفاده را برده او بصیر و فهمیده است و می‌داند چگونه باید از نعمت بهره‌مند گردد.

فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام ناظر به این مطلب است که گذشتگان با دنیا چه کردند؟ آیا آنها از دنیا منتفع شدند؟ اگر آنها بهره‌مند شدند تو هم راه آنان را پیش گیر. بنابر این دقت در تاریخ و اتفاقات آن برای قصه‌گویی و سرگرمی نیست، بلکه هدف از آن افزایش معرفت انسان است.

ج: پیروی از معصومین علیهم السلام

از دیگر عوامل بصیرت ساز در انسان، تأسی و پیروی از رسول

الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام می‌باشد. آیه شریفه می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (۱)

بگو این راه من است! من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را بسوی خدا

دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا! و من از مشرکان نیستم.

امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر آیه فرمودند:

۱ - سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

« ذاك رسول الله وأمير المؤمنين والأوصياء بعدهما »^(۱).

آن راه، راه پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیاً و جانشینان آنان می‌باشد. راه نجات، راه آنان است مسیری که آنان برای ما روشن ساخته و تعیین نموده‌اند مسیر اصلی است و بقیه راهها به بی راهه و ظلمت ختم می‌شود.

د: اخلاص

عامل دیگر که باید بر روی آن تأمل نمود و بسیار مهم و تعیین کننده است اخلاص می‌باشد. امیرالمؤمنین علیاً می‌فرماید:

« عند تحقق الأخلص تستنير الضمائر »^(۲).

هنگامی که اخلاص تحقق پیدا کند، دلها تابناک گردند. چشمها در سایه خلوص، نورانیت پیدا می‌کند. امام رضا علیاً از جد بزرگوارش رسول الله ﷺ نقل می‌فرماید:

« ما أخلص عبدٌ لله عزَّ وجلَّ أربعين صباحاً إلاَّ جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه »^(۳).

هر کس چهل روز برای خداوند خالص باشد، چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری خواهد گشت.

۱- بحار، ج ۲۴ ص ۲۱.

۲- غرر الحکم، حدیث ۶۱۴.

۳- بحار الانوار، ج ۶۷ ص ۲۴۲.

اگر می‌خواهی حکیمانه زندگی نمایی، یعنی آنچه را می‌گویی، می‌شنوی، وانجام می‌دهی دارای حکمت باشد، باید مخلص بشوی. آدمی در پرتو اخلاص بصیر و بینا می‌گردد، در نتیجه کردار و گفتارش حکیمانه و از روی بصیرت خواهد شد.

در این زمینه امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

« ما أخلص العبد الإيمان بالله عزوجل أربعين يوماً إلا زهده الله عزوجل في الدنيا وبصره داءها ودواءها »^(۱).

بنده‌ای نیست که چهل روز ایمانش را برای خدا خالص گرداند مگر این که خداوند او را در دنیا زاهد کند و به او نسبت به درد و درمان خویش بصیرت عطا می‌کند.

هنگامی که می‌خواهیم کاری انجام دهیم، اگر تمایلات نفسانی و امیال شهوانی را لحاظ نکنیم و فقط خدا و رضای او را مد نظر داشته باشیم، در این صورت خداوند متعال به ما بصیرتی عنایت می‌فرماید که در پرتو آن از دام مشکلات و اشتباهات رهایی یابیم.

اما اگر چنین نکرديم و کمترین میل و خواهش نفسانی در کارمان دخیل شد؛ خلوص از بین می‌رود، خلوص شرط اساسی قبول اعمال می‌باشد، اعمالی که خالصانه انجام می‌گردد دارای آثار می‌باشد، به عنوان نمونه نماز خالصانه معراج مؤمن است.

۱- کافی، ج ۲ ص ۱۴.

درجه خلوص عمل است که باعث را بالا رفتن و عروج افعال می‌گردد.

خداوند می‌فرماید:

﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^(۱).

سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد.

تفسیر عمل صالح در آیه یعنی عملی که خالصانه انجام شده باشد.

ه: تفکر

از دیگر عوامل مؤثر در بصیرت که در کلمات معصومین علیهم‌السلام به آن

اشاره شده، تفکر می‌باشد. اندیشه به آدمی معرفتی می‌بخشد که می‌تواند در

سایه آن از افتادن به دام اشتباهات در امان باشد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس»^(۲).

کسی که به زمانش آگاه و دانا باشد، شبهات به او هجوم نخواهند آورد.

در این مورد چند سخن گرانبها از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است،

«لا بصيرة لمن لا فكر له»^(۳).

آن که اهل اندیشه نیست، بصیر نیست.

۱- سوره فاطر، آیه ۱۰.

۲- تحف العقول، ص ۳۵۶ و بحار، ج ۷۵ ص ۲۶۹.

۳- غرر الحکم، حدیث ۷۹۳۷.

« من فکّر أبصر العواقب »^(۱) .

هر که بیندیشد ، پایان کارها را بنگرد .

« من طالت فکرته حسنت بصیرته »^(۲) .

هر که دور اندیش باشد ، بینش او نیکو باشد .

و: تفقه

یکی دیگر از موجبات بصیرت ، تفقه در دین است . تفقه مرحله‌ای بالاتر از تفکر می‌باشد : زیرا تفکر ، تدبّر و تأمل است ولی تفقه یعنی فهم عمیق و دقیق و تفقه در دین یعنی شناخت عمیق و دقیق تمام مسائل و شئون دین و پی بردن به ریشه آن .

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید :

« تفقهوا فی دین الله فإنّ الفقه مفتاح البصیرة »^(۳) .

فهم عمیق دین خدا را بدست آورید زیرا فهم آن کلید بینایی می‌باشد .

به این نکته توجه داشته باشید که دینداری غیر از تفقه در دین است .

خوارج افرادی دیندار و متدین بودند ولی بصیرت در دین نداشتند چون به فهم عمیق و دقیق دین دست نیافتند .

۱- غرر الحکم ، حدیث ۹۲۴۴ .

۲- غرر الحکم ، حدیث ۸۹۹۱ .

۳- تحف العقول ، ص ۴۱۰ .

ز: به جا آوردن مستحبات

عامل دیگر در ایجاد بصیرت که در کلمات اهل بیت علیهم السلام می‌توان آن را یافت، اتیان نوافل و انجام مستحبات است. نافله از کلمه نفل گرفته شده است که به معنای زیادتر است. در دین اعمال را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ اول؛ واجبات که انجام آن جزء وظایف ضروری یک دیندار است دوم؛ مستحبات و آن اعمالی است که بیشتر از واجبات می‌باشد و دینداران در انجام دادن یا ندادن آن اختیار دارند. حال اگر فردی به انجام واجبات اکتفا نکند و مستحبات را به جا آورد، خداوند متعال به او لطف بیشتری می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند که در شب معراج، خداوند متعال به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

« وَإِنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْإِيفَالَةِ حَتَّىٰ أَحْبَبَهُ ، فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا »^(۱).

همانا بنده با نافله به من نزدیک می‌شود تا آنکه او را دوست بدارم، پس وقتی که او را دوست داشته باشم من گوش او که با آن می‌شنود و چشمش که با آن می‌بیند و زبانش که با آن سخن می‌گوید و دستش که با آن کاری انجام می‌دهد، خواهم شد.

۱- کافی، ج ۲، کتاب الإیمان و الکفر، ص ۳۵۲.

هنگامی که فرد نافله بجا آورد محبوب خداوند می‌شود، در نتیجه این فرد خطا نمی‌کند. زیرا خدا به جای او می‌شنود، می‌بیند و تدبیر می‌کند، اگر به جای اینکه حب خدا باشد، حب دنیا باشد، آنگاه فرد به جای اینکه محبوب خداوند بشود، محبوب دنیا می‌شود. حال به جای اینکه خدا بشنود، دنیا می‌شنود، می‌بیند و تدبیر می‌کند. خداوند این افراد را گمراه‌تر از حیوانات می‌داند زیرا خداوند در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^(۱).

آنها دل‌هایی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند و نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند، آنها همچون چهار پایانند بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن هر گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند).

انسان غافل، گمراه‌تر از حیوان می‌باشد. زیرا خداوند به چارپایان عقل عطا نکرده که با آن امور خود را تدبیر کنند ولی به انسانها این موهبت داده شده است. اما برخی از انسانها علیرغم بهرمندی از این گوهر هنوز در غفلت و جهالت بسر می‌برند.

از جمله مستحباتی که تأثیر بسزایی در ایجاد بصیرت دارد، قرائت

۱- سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

قرآن کریم و تفکر در آن است .

(انشاء الله خداوند به همه ما توفیق اتیان نوافل ، قرائت قرآن و عبرت گرفتن از گذشتگان را عنایت نماید ، تا دلها و قلبهای بصیری داشته باشیم).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته «

... فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام ناظر به این
مطلب است که گذشتگان با دنیا چه کردند؟ آیا آنها
از دنیا منتفع شدند؟ اگر آنها بهره‌مند شدند تو هم
راه آنان را پیش گیر. بنا بر این دقت در تاریخ و
اتفاقات آن برای قصه‌گویی و سرگرمی نیست،
بلکه هدف از آن افزایش معرفت انسان است.

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹